

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۰۴ جون ۲۰۱۱

جایگاه و اشکال مبارزه جوانان در فاز جاری جنبش توده‌ئی

(۱) به اقرار همگان، جوانان نیروی مهمی در جنبش جاری بوده اند، شجاعت زیاد و قدرت ابتکار فراوانی را در اعتراضات و تظاهرات و رویارویی های خیابانی نشان داده اند، و در کل بار رادیکالیسم جنبش جاری را بر دوش داشته اند. اساساً جنبش جوانان علاوه بر اینکه به طور طبیعی حامل خواست آزادی های مدنی و سیاسی است، از مبارزه طبقاتی و سوسیالیستی نیز به دور نیست، چرا که اکثریت آنها یا خود به مثابه یک کارگر در جایگاه استثمار شدگان بوده یا اینکه جایگاه طبقاتی خانواده شان و رنج پدران و مادرانشان به عنوان زحمتکشان و کارگران جامعه واقعی است که زمینه چنین نزدیکی با سوسیالیسم را پدید می آورد.

(۲) فعالان سوسیالیست کارگری هم موظف هستند رادیکالیسم جوانان را در راستای یگانه رادیکالیسم باثمر، یعنی ستراتژی سوسیالیستی طبقه کارگر، سوق دهند و از اتلاف این انرژی عظیم که با مخاطرات بزرگی، از بی حاصلی و سرخوردگی گرفته تا ماجراجویی، روبه روست جلوگیری کنند؛ و هم از زاویه پیشبرد ستراتژی مستقل طبقه کارگر می باید جایگاه مبارزه این قشر وسیع را در جنبش جاری روشن کرده و قدرت ابتکار و شجاعت و رادیکالیسم تحرک جوانان را در خدمت افزایش نفوذ طبقه کارگر در جنبش جاری قرار دهند.

(۳) "جوانان" به مثابه قشر وسیعی از جمعیت اساساً بر مبنای گروه سنی تعریف می شوند و جایگاه واحدی نه در عرصه تولید اقتصادی دارند و نه در ساختار طبقاتی جامعه. این واقعیت به این معناست که تعیین وظایف مبارزاتی و عرصه فعالیت برای جوانان (به ویژه خلاف طبقه کارگر، یا مثلاً دهقانان) نمی تواند صرفاً با رجوع به دوره ستراتژیک (دوره غیرانقلابی، اعتلاء، دوره انقلابی) انجام گیرد. مشخصاً در مورد جنبش جاری در ایران، تنها با توجه به فازهای تاکتیکی عینی جنبش جاری است که سوسیالیست های کارگری می توانند اشکال سازماندهی و وظایف مبارزاتی معینی برای جوانان تعریف کنند.

(۴) نکته مهم در تشخیص فاز تاکتیکی جنبش جاری در ایران این است که شکل مبارزاتی جنبش اکنون تظاهرات های سراسری نیست. شاید یک تاثیر انقلاب تونس و مصر بر روحیه عمومی جوانان این بوده باشد که در ایران نیز می توان همان شکل مبارزه "میدان تحریر" را تکرار کرد. اما فاز تظاهرات های سراسری (همانطور که تجربه

انقلاب بهمن در ایران نیز نشان می دهد) تنها در یک توازن قوای معین ممکن می شود. توازن قواء تابع عوامل بسیار زیادی است، اما تغییر توازن قواء میان جنبش و رژیم بیش از هر عامل دیگری از ترکیب طبقاتی نیروهای فعال در جنبش تاثیر می گیرد. جنبش در ایران هنوز با شیوه سرکوب آشکار رژیم مواجه است و فاز تظاهرات های سراسری بدون عقب نشینی عملی رژیم و تحمیل تظاهرات توده ای به رژیم ممکن نمی شود.

۵) عقب نشینی عملی رژیم بدون آمدن کارگران به میدان مبارزه به شکل وسیع و با شیوه های ویژه این طبقه میسر نیست. جنبش ایران تمام پتانسیل لازم برای بدل شدن به یک انقلاب عظیم را دارد، اما تحقق این پتانسیل در گرو تحرک طبقاتی کارگران است و تا چنین نشده، حتی علی رغم اینکه ممکن است تحت تاثیر عوامل تصادفی بسیاری توازن قوا برای جنبش انقلابی بسیار مناسب تر به نظر آید، این امری پایدار نیست. بنابراین، صرفنظر از عوامل تصادفی، معیار واقع بینانه از نظر مارکسیستی برای شناخت تغییر توازن قوا به سود نیروهای جنبش چیزی نیست جز تحقق اعتصاب های گسترده کارگری. تا چنین نشده، علی رغم افت و خیزها و تغییرات موقت در توازن قوا، فاز تاکتیکی فعلی جنبش، یعنی پس از ۲۵ بهمن، اساساً باید این واقعیت را که رژیم سیاست سرکوب بیرحمانه جنبش را دارد به رسمیت بشناسد. بنا بر این واقعیت، فاز مبارزات خیابانی اکنون تنها می تواند فاز تظاهرات های پراکنده و محلی باشد. این امر را صرفاً با نوآوری های تاکتیکی در مبارزات خیابانی نمی توان تغییر داد. واقعیت این است که در ۲۵ بهمن [دلو] و اول اسفند [حوت] ۸۹ نیز این دقیقاً تعداد زیاد و گسترده تظاهرات های موضعی پراکنده بود که این خطای باصره را ایجاد می کرد که در تهران تظاهرات سراسری جریان دارد.

۵) از نظر سوسیالیست های کارگری، در فاز فعلی جنبش، تحرک جوانان در جنبش می باید در بهترین حالت در خدمت تسهیل حضور توده کارگران و زحمتکشان در جنبش جاری، با تشکل ها و خواست های طبقاتی خود، و با سترانژی روشنی در تقابل با سترانژی نیروهای سیاسی طبقات سرمایه دار و غیرکارگر، باشد. محتوای وظایف و اشکال سازماندهی و فعالیت جوانان را به این اساس می توان این گونه برشمرد:

الف) حیطة کار: در وهله اول، محلات کارگری و زحمتکش نشین.

ب) وظایف تبلیغی: پخش تراکت، دیوار نویسی، شعار در تظاهرات و همچنین اشکال نوینی از تیم های هنری تبلیغات شهری در قالب های کار با استنسیل و یا استیکر که ریسک اکت تبلیغاتی را در برخورد با نیروهای سرکوبگر پولیس کم می کند.

- طرح شعارهای قاطع در تقابل با نقشه های اصلاح طلبان (نظیر: مرگ بر دیکتاتور، خامنه ای، ولایت فقیه، علیه سپاه، بسیج و ...)

- طرح خواست های اقتصادی کارگران و زحمتکشان در تقابل با سکوت اصلاح طلبان و لیبرال ها در برابر شعار "نان". (دربارۀ دستمزد، مسکن، هزینه های سنگین برق و گاز ناشی از سیاست ریاضت اقتصادی و هدفمند سازی یارانه ها، بهداشت، ترانسپورت، گرانی مواد غذایی و ...)

- تبلیغ عمل مستقیم زحمتکشان به عنوان راه تحقق خواست ها شان (مصادره مسکن و دارائی و غیره)

- تبلیغ خواست های اقتصادی و خواست های سیاسی تلفیق شده ("نان و آزادی")، و تثبیت توأم آنها به منزله مطالبات جنبش و انقلاب، جلب سمپاتی توده هرچه بیشتری از کارگران و زحمتکشان به این خواست ها به مثابه مطالبات خود آنها.

- تبلیغ ویژه در مورد ضرورت سازمان یافتن و مبارزه زنان کارگر و زحمتکش برای ایجاد زمینه های سازمانیابی محلی آنها.

پ) وظایف اکسیونی:

- در فاز فعلی، شکل اصلی اکسیون جوانان به راه انداختن تظاهرات های موضعی در محلات به ویژه محلات زحمتکش نشین، حول محتوای شعارهای تبلیغی بند پیش است.

- هدف این تظاهرات های موضعی و محلی، بسیج اقشار هرچه بیشتری از کارگران و زحمتکشان برای پیوستن به این تظاهرات ها و از این طریق ایجاد احساس مشارکت در جنبش است.

- تظاهرات های موضعی و محلی در این فاز ابدأ در هم شکستن نیروهای سرکوبگر محلی رژیم را نمی تواند در دستور داشته باشد، هرچند مقابله با نیروهای سرکوبگر و خنثی کردن آنها برای مصون داشتن تظاهر کنندگان و ارتقاء روحیه بسته به مورد ممکن است کاملاً ضروری شود.

- در فاز فعلی، معیار موفقیت این تظاهرات ها احساس توفیق توده شرکت کننده از نفس اعتراض، بیان جمعی خواست های زحمتکشان، احساس تقویت پیوند و هم-سرنوشتی میان آنها، و ارتقاء اعتماد به نفس مبارزاتی آنهاست. - به همه این دلایل، لازم است که این تظاهرات ها از سوی جوانان متشکل در محلات با ظرافت هدایت شود، مدت معین داشته باشد و با تحقق نسبی اهداف از پیش تعیین شده ختم آن اعلام شود.

ت) شکل سازمانی: جمع جوانانی که فعالیت در یک یا چند محله را با اهداف و شیوه های فوق در دستور خود قرار می دهند، مستقل از هر نامی که بر خود می گذارند (هسته، کمیته، جمع، ...) و مستقل از اینکه وجود چنین جمعی را اعلام می کنند یا نمی کنند، می باید نفرات معدودی را در بر بگیرد که روابط طبیعی اجتماعی با یکدیگر داشته باشند (از جمله جمع دوستان قدیمی یا روابط خانوادگی) تا شناخت متقابل و پیوندهای عاطفی و سیاسی شان فعالیت مخفی دسته جمعی را ممکن کند و ریسک امنیتی را حتی المقدور کاهش دهد. علاوه بر انجام فعالیت های تبلیغی و اکسیونی بالا، این جمع ها باید:

۱. با مطالعه و بحث درونی دانش سیاسی خود را ارتقاء دهند.

۲. با فراگرفتن فنون پنهانکاری در مقابل تعرض عوامل رژیم و دستگاه های سرکوبگر هشیاری خود را افزایش دهند.

۳. با ارتقاء دیگر جوانان فعال امکان ایجاد هسته های نظیر جمع خود را فراهم نمایند.

۴. یافتن راهکارهایی برای شناسایی عوامل رژیم در محله که پس از تجمعات با دادن آمار موجبات دستگیری افراد مبارز محل به توسط نیروهای سرکوبگر را به همراه می آورده یا اطلاعاتی هائی که نقش مستقیم در سرکوب اعتراضات مردم دارند، و افشای آنها.

قطعنامه مصوب شورای مرکزی اتحاد سوسیالیستی کارگری

هفدهم اپریل ۲۰۱۱

به نقل از به پیش! شماره ۶۴، دوشنبه ۹ خرداد، ۱۳۹۰، ۳۰ مه ۲۰۱۱